

اینجا آبادان است، موزه شخصی ام تمام دنیای من است

***سر آغاز -نسرین جودکی**

آبادان پیش از صنعتی شدن سرزمین نخل‌ها بود و بعد از ورود نفت و پالایشگاه در سال ۱۲۹۲ خورشیدی به شهری بدل شد که در صنعت و توسعه در ایران و خاورمیانه زبانزد بود. از آن سال‌ها تا امروز تقریباً یک قرن می‌شود که نام آبادان و نفت به هم گره خورده و اکنون شهری با فرهنگ نفتی را شاهدیم. وقتی انگلیسی‌ها آمدند، فرهنگ خود را نیز به همراه آوردند؛ سبک معماری تلفیقی انگلیسی و ایرانی به کار گرفته در محله‌های شرکتی مخصوص کارمندان عالی رتبه انگلیسی از همین بازمانده‌هاست. یکی در محله «بریم» که گویا نام گونه‌ای خرماست و دیگر محله «بوارده» که نام مرد عربی است که روزگاری در این منطقه زمین داشت. حالا چند سالی است که در منطقه هلال بریم در منازل سازمانی پتروشیمی در موزه شخصی معماری و شهرسازی، خاطرات آبادان گردآوری

شده است. در بدو ورود با این جمله در حیات خانه رویرو می‌شویم: «کا، خاطرات آبادان همینجاست، دمت گرم». هوای شرجی و دم کرده جنوب و خیل اشیایی که رو هم تلنبار شده و خوش‌آمدگوی بازدیدکنندگان است. خاطراتی تلنبار شده از تاریخ شهری صنعتی اینجا جمع شده که افتخار تک تک آبادانی‌هاست؛ هر روز آژیر «فیدوس» پالایشگاه در رگ‌های هر آبادانی جاری می‌شود که سند افتخار روزهای طلایی آبادان است. تمامی خاطرات یک آبادانی را لابلای این اشیا میتوان پیدا کرد. اما امروز نشانی آن‌ها را در این خانه خواهی یافت؛ از کلکسیون‌ی از آجرهای نسوز «سینما نفت» گرفته که از لندن به آبادان آورده بودند تا درها، پنجره‌ها و چراغ‌ها و اولین تابلوی هشداردهنده علایم رانندگی که ترکش‌های جنگ هشت‌ساله ایران و عراق را در سینه

دارد. «ایمان اسپرغم»، جوان آبادانی متولد سال ۱۳۶۰ با عشق بسیار به آبادان این اشیا را با فراخوان، در طول ۱۵ سال از گوشه و کنار شهر جمع‌آوری کرده و گوشه دنجی ساخته از خاطرات روزگار شیرین آبادان. وقتی ایمان اسم آبادان را می‌آورد، صدایش پر از هیجان است. او نام شهر را با همان لهجه شیرین آبادانی، پر از غرور می‌خواند. ایمان پس از جنگ به همراه خانواده به شهرش بازگشته تا آبادان کوچک خود را بسازد. حالا موزه شخصی تمام دنیای اوست. در اتاق اول، جلوی در، یک سنگ قبر است. هر بیننده‌ای با دیدن این سنگ حیرت می‌کند. سنگ قبر متعلق به «پل داگلاس» است، کسی که کشتی‌اش در سال ۱۹۷۵ در اروندرود غرق شد و پیکرش سال‌ها در خاک آبادان خفته بود. حالا درست همین‌جا در موزه اسپرغم، کنار سنگ قبر، یک سکان کشتی به یاد داگلاس به دیوار آویخته شده. گوشه‌ای دیگر کتابچه یکی از کارکنان انگلیسی پالایشگاه به معرض دید گذاشته شده که در آن خاطرات به خطی خوش نوشته شده است، آن طرف‌تر اولین نسل کامپیوتر و ماشین‌های تایپ و دوچرخه و کلاه کارکنان پالایشگاه، کلید و پریزها و کاشی‌های فیروزه‌ای خانه‌های شرکتی در بوارده درهم و برهم تلنبار شده‌اند. جای سوزن انداختن نیست. خاطرات را به در و دیوار و حتی سقف آویخته‌اند. بازدیدکنندگان در این خاطرات آبادان دهه ۴۰ و ۵۰ گم می‌شوند؛ هیچ یک از اشیا نه بر اساس اصول خاصی چیده شده و نه شناسنامه‌ای دارند. اگر راوی نباشد، بازدیدکننده هیچ نمی‌داند کجاست و به چه می‌نگرد.

وارد اتاق دوم می‌شویم که بسیار کوچک است. صدای پنکه انگلیسی سکوت را می‌شکند. هر یک از این اشیا قصه‌ای شنیدنی دارند. در قفسه‌ها لیوان‌های کاغذی تبلیغاتی و جاقلمی‌هایی دیده می‌شود با نامی اشنایی برای هر آبادانی «افتخار هنر عکاسی است. ژرژ یونانی و پسران». عکاسخانه ژرژ در محله امیری بنایی است با معماری زیبا که روزگاری از معروفترین عکاسی‌های این شهر بود. کمتر آبادانی اصیلی است که عکسی در عکاسی ژرژ ننیداخته باشد و خاطره‌ای از این عکاسی نداشته باشد. در سال‌های گذشته فرسودگی و موربانه زدن بنای عکاسخانه، رنگ‌آمیزی دیوارهای بیرونی و ماجرای فروش این بنا از سوی مالکان، عکاسخانه را پی‌درپی به تخریب، تهدید می‌کرد اما اوایل خرداد سرانجام این بنا در فهرست آثار ملی ثبت شد و حالا قرار است به گالری و رستوران تبدیل شود. شکی دیگری که جالب توجه است کیف چرمی

کوچکی است که نام یکی از بانک‌های انگلستان (Barclays bank) روی آن درج شده؛ این کیف که پر از سکه بوده را بابانوئل به مناسبت کریسمس با پروازی مستقیم از انگلستان برای کودکان مسیحی هدیه آورده بود. شکی دیگر دفترچه راهنمای تلفن متعلق به سال ۲۵۳۶ (۱۳۵۶ شمسی) است که فهرستی از شماره‌های ادارات و بیمارستان‌ها و موسساتی را در خود دارد که دیگر وجود ندارند، مثل لژیون خدمت‌گزاران بشر یا موسسه جهانگردی. گوشه دیگری تعدادی نقشه تلنبار شده؛ از اولین نقشه‌های دستی پیش از ساخت پالایشگاه تا نقشه محبوب هر آبادانی؛ نقشه فاضلاب شهر.

بازدیدکنندگان به اینجا که می‌رسند، سر درد دلشان باز می‌شود؛ این نقشه شاه‌کلید گنداب‌های آبادان است، یادآور منظره مشمژ کننده خیابان‌های امروز شهر و بوی نامطبوعی که مهمان همیشگی شهروندان آبادانی است. این همان نقشه‌ای است که ایمان اسپرغم به یاری آن، در سال سیل به کمک شهرداری آبادان رفت. تمامی اشبای این موزه شلوغ، گواه یک شهر مدرن، صنعتی و پیشرو در دل تاریخ ایران و گویای شکوفایی آن در دهه‌های گذشته است. با دیدن این موزه می‌توان خاطرات ابادان گذشته را زنده کرد و آنچه امروز در فرهنگ شفاهی این مردم جای دارد را



به چشمان خود دید. با اینکه موزه ایمان اسپرغم، شخصی است اما به دلیل داشتن اشیای ارزشمند نیازمند کمک است. شاید مسئولان میراث‌فرهنگی و منطقه آزاد اروند بتوانند فضایی بزرگ‌تر به این موزه اختصاص دهند و در کنار این، کارشناسان موزه‌داری با شماره‌گذاری اشیا و چیدمان درست، به موزه خاطرات آبادان نظم دهند. اگر چنین شود، این موزه می‌تواند در کنار سایر موزه‌های آبادان برای بازدیدکنندگان جذابیت دوچندانی داشته باشد. از این خانه‌موزه که بیرون می‌آییم ما می‌انیم و خیابان‌های گرم و تپدار جنوب و مشتی خاطره از آبادانی که بود.



معاون اقتصادی بازرگانی صندوق توسعه و احیای بناهای تاریخی:

بحث حراج بناهای تاریخی به‌هیچ‌عنوان مطرح نیست

معاون اقتصادی بازرگانی صندوق توسعه و احیای بناهای تاریخی کشور با بیان اینکه قراردادهای این صندوق به‌صورت واگذاری حق بهره‌برداری از بنا به‌صورت اجاره‌ای است، گفت: در مزایده ۱۹ بنای تاریخی اعلام‌شده به‌هیچ‌عنوان بحث حراج، فروش و واگذاری مالکیت مطرح نیست.احسان دهقانی که پنجشنبه (۱۴ اردیبهشت‌ماه) در هتل بوتیک کاخ سرهنگ اصفهان حضور داشت، در گفت‌وگوی اختصاصی با ایسنا، اظهار کرد: اخیراً در رسانه‌ها عنوان می‌شود که از سوی وزارت میراث فرهنگی، چوب حراج بر فروش بناهای نفیس ملی گذاشته‌شده است؛ در خصوص تبیین این موضوع باید در ابتدا عنوان کنم که نوع قراردادهای واگذاری حق بهره‌برداری از بنا به‌صورت اجاره‌ای است. قراردادهای بنوعی قراردادهای BOT و به‌طور ویژه‌تر، ROLT است؛ یعنی مرمت، سرمایه‌گذاری، بهره‌برداری و سپس انتقال به مالکیت اولیه که دولت است.

معاون اقتصادی بازرگانی صندوق توسعه و احیای بناهای

تاریخی ادامه داد: آنچه رقم خورده، در بدنه وزارت میراث فرهنگی آورده شده است و با همفکری و خرد جمعی همکاران ما کاربری متناسب و در شأن بنا انتخاب‌شده و به‌صورت شفاف و عادلانه در بستر سامانه الکترونیک ستاد ایران به مزایده گذاشته می‌شود.او که وظیفه ابلاغ کمیسیون مزایادات بناهای صندوق توسعه و احیای بناهای تاریخی را نیز به عهده دارد، گفت: توان مرمتی و مشاورین علمی سرمایه‌گذار برای انجام دستور کارهای مرمتی، توان و بنیه مالی سرمایه‌گذار به‌طوری‌که بتواند از عهده هزینه‌ها برآید، پلان بهره‌برداری، همراه با ایده سرمایه‌گذار برای تجهیزات و آن اتفاقی که می‌خواهد رقم بزند و نهایتاً موضوعات حقوقی و فرهنگی سایت که بومی باشد و با روحیات آن بوم و محل نیز ارتباط نزدیک و منطقی داشته باشد؛ جزو صلاحیت‌سنجی چهارگانه سرمایه‌گذار در مزایده‌ها است و درصورتی‌که این امتیازها از ۶۰ درصد مجموع امتیازها بالاتر باشد به بحث بازرگایی پاکت‌های

جاده گردشگری نیشابور در طلسم بی تفاوتی مسئولان



پلیس راه نیشابور پارسل ۱۱۲ نفر از همشهریان در طول این محور بر اثر سوانح رانندگی مجروح شدند و سه نفر جان باخته‌اند.

بی‌توجهی شهرداری به مصوبات شورای ترافیک

معاون هماهنگی و امور عمرانی فرمانداری شهرستان نیشابور گفت: از سال ۱۳۵۵ تا اواخر

دهه ۷۰ شمسی در وسط محور باغ‌رود گودال و کانالی شد اما از آن زمان تاکنون که مسیر رفت و برگشت در ۲ طرف این کانال بود.حمود گیاهی با بیان اینکه هرچند آن زمان جاده خاکی بود اما اواخر دهه ۷۰ مجموعه دستگاه‌های متولی شهرستان تصمیم بر تامین روشنایی و بهسازی این مسیر گردشگری گرفتند، افزود: همان زمان مصوب شد گودال میانی با خاک پر و آیلندی در میانه این محور برای استفاده شهروندان پیاده دوچرخه‌سوار ایجاد شود. وی ادامه داد: آن زمان با همکاری نیروگاه سیکل

ترکیبی روشنایی این مسیر در سه کیلومتر آغازین آن تامین شد اما از آن زمان تاکنون اقدامی برای روشنایی ادامه مسیر انجام نشده است. معاون عمرانی فرمانداری نیشابور با اشاره به اینکه تعداد زیادی از روستاها و مناطق هدف گردشگری شهرستان، مانند رود، دربشت، برف‌بریز، برف می‌کنند. این آیین مسیر قرار دارد بیان کرد: در حال حاضر این محور ترافیکی تبدیل به یکی از محورهای حادثه‌خیز شده است.

«برف چال»؛

بزرگ‌ترین دورهمی آملی‌ها برای گذر از خشکسالی

شاهی «

آیینی آمیخته با مذهب

همه چیز در یک روز اردیبهشت‌ماه در حدود ۶ قرن پیش آغاز شد. این را پیران روستای آب اسک می‌گویند. امیر فکریان که در آستانه ورود به هشتمین دهه عمرش است، آیین برف چال را مهم‌ترین آیین بر جای مانده در روستای آب اسک می‌داند که گذشت زمان تاکنون نتوانسته است تغییری در چگونگی برگزاری آن ایجاد

بر روستا، موسوم به «زن زانه و مردانه، در روستای «آب اسک» از توابع بخش کوهستانی لاریجان شهرستان آمل دید. دومین ماه هر سال برای آب اسکی‌ها خاطره انگیز است، خاطره‌ای به درازای بیش از ۶۰۰ سال هجری شمسی، خاطره‌ای از جنس همکاری و همیاری برای برپا داشتن آیین «ورف چال» و خاطره‌ای از تجربه یک‌روزه حکمرانی زنان بر روستا، موسوم به «زن

ورف چال (برف چال) واژه مازندرانی و به معنای چاهی است که اهالی روستای «آب اسک» هر ساله در یکی از روزهای ماه اردیبهشت حفر کرده و داخل آن را پر از برف می‌کنند. این آیین مسیر قرار دارد بیان کرد: در دهه اخیر، در روز جمعه برگزار می‌شد.اردیبهشت ماه برای مردم دیار بام ایران، رنگ و بوی دیگری می‌گیرد و همه چیز را می‌توان از



سامانه ستاد ایران اتفاق می‌افتد و بستر الکترونیکی‌شدن مزایادات نیز یک اتفاق سرعت‌بخش به این واگذاری‌ها است و نظارت را تسهیل کرده است. در زمان این گفت‌وگو یعنی نیمه اردیبهشت‌ماه، تعداد ۱۹ بنا در استان‌های مختلف به‌منظور اعطای حق بهره‌برداری به مزایده گذاشته‌شده‌اند. من امیدوار هستم که آن‌شاءالله همراه شاهد چنین اتفاقاتی خواهیم بود و پیش‌بینی می‌کنم که در پایان سال برای تعداد بسیاری از بناها اتفاق مبارک و پر خیروبرکتی رقم بخورد.



کندوی گفت: آیین ورف چال حدود ۶۰۰ سال پیش آغاز شد و آغازگر آن هم امامزاده «سیدحسن ولی» از نوادگان امام حسن مجتبی(ع) بود. اگر چه فکریان قادر نیست تا آیین بر جای مانده در روستای آب اسک می‌داند که گذشت زمان تاکنون نتوانسته است تغییری در چگونگی برگزاری آن ایجاد

کندوی گفت: آیین ورف چال حدود ۶۰۰ سال پیش آغاز شد و آغازگر آن هم امامزاده «سیدحسن ولی» از نوادگان امام حسن مجتبی(ع) بود. اگر چه فکریان قادر نیست تا آیین بر جای مانده در روستای آب اسک می‌داند که گذشت زمان تاکنون نتوانسته است تغییری در چگونگی برگزاری آن ایجاد